

معرفی کتاب

# وحی و نبوت در قرآن و عهدین



● مریم سادات عربی

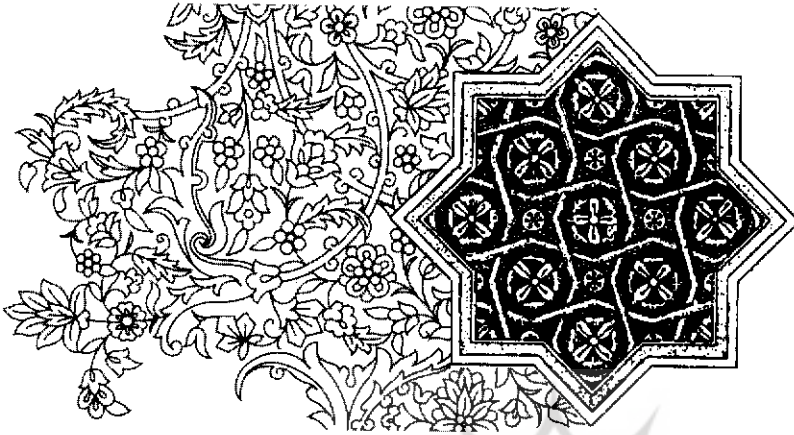
مطالعه تطبیقی و مقایسه ادیان یا به تعبیر دیگر الهیات تطبیقی (Comparative theology) یکی از شاخه‌های دین‌شناسی است که دیرسالی است در دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های کشورهای غربی، با جدیت تحقیق و تدریس می‌شود، اما در کشور ما این رشته مثل دیگر رشته‌های مربوط به دین‌شناسی رشته‌ای جوان و نوپا است که مدت زیادی نیست که به آن توجه شده، به همین دلیل پژوهش‌های مهمی در این زمینه صورت نگرفته است.

بررسی تطبیقی مسائل وحی و نبوت از دیدگاه قرآن و عهدین نام کتابی است از خانم دکتر اعظم پرچم که رساله پایان نامه دکترای ایشان است. این کتاب شامل سه فصل و بخش‌های متعددی است. پیش از معرفی تفصیلی کتاب حاضر، بهتر است اصطلاح «الهیات تطبیقی» توضیح داده شود. این اصطلاح معانی و مصادیق مختلفی دارد (الهیات تطبیقی، مجله ارغنون، ش ۵-۶). به نوشته دیوید تریسی، امروزه، اصطلاح «الهیات تطبیقی» به دو معنای متمایز به کار برده می‌شود: نخست به معنای تلاش و تحقیق تطبیقی در زمینه پژوهش عرفی تاریخ ادیان است که در آن «الهیات»‌های مختلف وابسته به سنت‌های مختلف به مدد بعضی روش‌های تطبیقی که در این حوزه جا افتاده است با هم مطابقت و مقایسه می‌شود. اما در معنای رایج‌تر، «الهیات تطبیقی» به تحقیق کلامی یا الهیاتی اطلاق می‌گردد که نه یک، بلکه دو یا چند سنت را بر مبنای جنبه کلامی شان بررسی می‌کند (همانجا).

کتاب حاضر تلاشی است در جهت تطبیق مفاهیم عمده مربوط به وحی و نبوت در قرآن با آنچه در این زمینه در عهدین آمده است. در عصر حاضر کوشش شده تا با برقرار کردن گفتگو و تبادل نظر



- بررسی تطبیقی مسائل وحی و نبوت از دیدگاه قرآن و عهدین
- دکتر اعظم پرچم
- انتشارات کنکاش، ۱۳۸۳



فصل دوم کتاب تحت عنوان نبوت و وحی از دیدگاه عهدین، شامل چهارده بخش است: نبوت، معجزه، عصمت، موسی (ع)، رسولان و حواریون مسیح، وحی در عهد قدیم، وحی در عهد جدید نجات بخش بودن وحی، عیسی (ع)، گناه ذاتی، فدیة، رستاخیر مسیح (ع)، صعود مسیح (ع) و کلیسا.

در این فصل، ارتباط مسیح (ع) با وحی کامل از دیدگاه عهد جدید توضیح داده شده است. براساس دیدگاه عهد جدید، وحی کامل و اصلی همان عیسی است، یعنی تجلی خدا در هیئت انسانی که روشن ترین ظهور ذات الوهیت است. نویسنده در این بخش علاوه بر آیات کتاب مقدس و تفاسیر عهدین و قاموس کتاب مقدس و معجم اللاهوت الکتابی، از برخی دایرة المعارف های انگلیسی مربوط به دین نظیر: «الیاده» و «هستینگ» نیز استفاده کرده است.

در ترجمه آیات کتاب مقدس، از ترجمه جدید ویراستاری شده در انگلستان استفاده شده است. (ص ۲۴) نویسنده درباره وجه اشتقاق «نبی» و «نبوت» می نویسد:

«واژه نبوت (Prophet) از کلمه یونانی (Phophetes) مشتق شده و آن اسمی است که مقصود از آن مفسر و معبر معابد مقدس است.» (ص ۱۸۱) در آن عهد، هرکس که از آینده خبر می داد یا از آن خبردار می شد، (و گاه به معنای سخنگو و بازگوینده سخن) یا از اسرار درونی مردم خبر می داد، در اویشی که با ساز و آواز و رقص حالات عرفانی به آنها دست می داد، رؤسای گروه های مذهبی و جز آن نبی خوانده می شدند. به نوشته مؤلف کتاب: عنوان کلی که در تورات برای پیامبر به کار رفته، واژه (Navi) است. موارد و مصادیق کاملاً نقلی این واژه، بسیار نادر و اشتقاق (ریشه شناسی) آن نامعلوم است، هر چند که

میان ادیان بزرگ توسط متفکران و متألهان ادیان، به دور از هرگونه تعصب قومی و قبیله ای و مذهبی، زمینه های علمی لازم را برای تعامل میان آنها فراهم آورند، به منظور اینکه نقطه آغازی برای گفتگوی دین های الهی، تفاهم و مراوده و همزیستی دینی بین پیروان این ادیان باشد. این امر در نیم قرن اخیر، حائز اهمیت ویژه ای شده است. نمونه ای از توجه به این مسئله برگزاری سمپوزیوم بین المللی اسلام و مسیحیت در ۱۳۶۹ و ۱۳۷۱ در «آتن» و در ۱۳۷۳ در تهران است.

این کتاب سعی دارد که با استفاده از مفهوم های مشترک قرآن و عهدین در مسأله وحی و نبوت و با تکیه بر این مطلب که مشترکات آنها بیشتر از مفترقات است، به بررسی تطبیقی مسائل وحی و نبوت از دیدگاه قرآن و عهدین بپردازد.

کتاب حاضر شامل سه فصل است: در فصل اول محور اصلی و اساسی مطالب، وحی و نبوت در قرآن مجید است. بقیه مسائل درباره این دو موضوع بحث می شود.

این فصل دارای هشت بخش کوچک تر: نبوت، معجزه، عصمت، موسی (ع)، عیسی (ع)، نفی فدیة، نفی مصلوب شدن مسیح (ع) وحی و نجات بخش بودن وحی است که با استناد به آیات قرآن و تفاسیر معتبر بحث شده است. در این فصل توضیح مختصر و مناسبی درباره معنای نبی و حکمت بعثت انبیاء، مراتب و درجات انبیاء و مسائلی درباره این موضوعات از جمله: توحید، معاد، عدالت و حکمت الهی و جز آن، پیامبران اولوالعزم و خصوصیات پیامبر اکرم (ص) در قرآن مجید آمده است.

از دیگر مباحث این فصل معجزات پیامبران، استناد معجزات به خداوند، رابطه معجزه و نبوت و ویژگی های معجزات است.



حافظ عهد و پیمان مقدس خواهد بود و هرگونه انحراف پادشاه، یهودیت را به خطر می اندازد. گاه لازم است که پیامبران در مقابل پادشاهان بایستند و اعمال آنها را به آنان گوشزد کنند. همچنین گاه در این دوران پیامبران خود باعث رواج بت پرستی می شدند و گاه مبارزه آنان با جادوگری و رسوم قدیم و پرستش خرافات به اوج می رسید و یکتاپرستی ترویج می شد. «با ظهور ایلیا، دوره حمایت از مذهب اخلاقی یهوه آغاز شد. آخاب تحت نفوذ زن خود در برابر بت «بعل» صیدونها سجده کرد و بت پرستی را رواج داد. ولی بر اثر نبوت «ایلیا» پیروان «بعل» آن قدر کم شدند که گردآوری همه آنان در زیر یک سقف امکان پذیر بود. سخنان پر بانگ و بیم دهنده و نافذ «ایلیا» با آن میاهله اش با انبیای بعل چنان تأثیر کرد که بنی اسرائیل بر خاک افتادند و فریاد زدند: «خداوند، خداست» در این دوره یکتاپرستی صورت جامع و کامل خود را یافت و از شکل قومی خود بیرون آمد.» (ص ۲۰۵)

از دیگر بخش های این فصل که بیشتر جلب توجه می کند، بخش های مربوط به پیامبران زن، انبیای دروغین تشخیص صدق و کذب انبیاء، ویژگی های متفاوت پیامبران، موسیقی در زندگی پیامبران، تعالیم انبیاء، معجزه و معانی انواع آن در عهدین، عصمت، حکمت بعثت موسی و رسالت حواریون است.

از دیدگاه عهد جدید، مسیح دیدار با روح القدس را به حواریونش وعده داد و در واقع از دیدگاه آنان رسولان افرادی هستند که وحی را به وسیله عیسای مسیح ظهور یافته به دیگران می رسانند و در واقع پیام رسان وحی هستند، مانند انبیای عهد قدیم که وحی خداوند را به انسان ها می رسانند: «در عهد جدید: الف- رسولان یعنی فرستادگان مسیح؛ ب) انبیاء، افرادی که با الهام از خدا پیغام می آورند؛ ج) معلمان، کسانی که کلام خدا را به دیگران تعلیم می دهند؛ د) مبشران، اشخاصی که انجیل را موعظه می کردند».

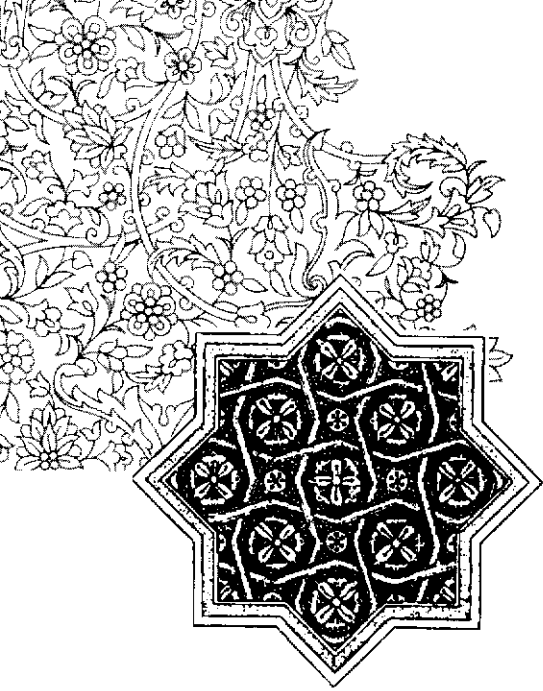
در کتاب آمده است: «اعتقاد به وحی و نبوت، یعنی مأموریت از جانب خداوند، از عهد قدیم وجود داشته است...» و «دینی که کتاب مقدس بیان می کند مبتنی بر وحی تاریخی است و این موضوع وجه

دانشمندان معمولاً این کلمه را به معنای «خبر دادن، اعلام کردن و خواندن، مربوط می دانند... در دوره های پیش از اسارت یهود در بابل، لقب نوی (Navi) مخصوصاً در اسرائیل شمالی «افرائیم» عمومیت داشته است. در مجموع اصطلاح مذکور، عنوان کلی برای هر شکل و حالت پیامبرانه بوده و تنها لقبی بوده که به پیامبران قانونی و مشروع گفته می شده است. (ص ۱۸۲)

از جمله مطالب این فصل اشاره به عناوین انبیاء در عهد عتیق و توضیح کوتاه اما نسبتاً کاملی برای آنها است از جمله: (۱) رانی: به معنای نگرنده و بیننده و در کتاب مقدس نیز نبی با رانی به یک معنی گرفته شده است؛ ۲. پیشگویی: این مورد بیشتر همزمان بود با عصر بازگشت یهودیان به مصر و روی آوردن آنان به فال گیری و جادوگری و انبیای این قوم نیز از راه پیشگویی برای ارشاد و هدایت مردم اقدام می کردند؛ ۳- بیننده خواب و رؤیا: خداوند در خواب و رؤیا به انبیاء ظاهر می شد و با ایشان سخن می گفت، مانند سموئیل که خداوند در شب با او سخن گفت؛ ۴- مرد خدا؛ ۵- نذیره: شخصی که نذر می کرد تا خود را وقف خداوند کند و مکلف به انجام کارهایی و ترک عادات دیگر بود. (ص ۱۸۴-۱۹۲)

در عهد عتیق و کتاب مقدس نام پیامبران زیادی با مشخصه های مربوط به خود آنها آمده است. که هر کدام مقام و مرتبت خاصی دارند که در کتاب مقدس مقام و مرتبت موسی از همه بالاتر است، زیرا او مستقیماً با خداوند حرف می زده است. اما در قرآن هیچ نامی از آنها نیامده است و گاه نام پیامبرانی مانند هود (ع) و لوط (ع) که در قرآن آمده، در عهدین نیامده است یا سلیمان نبی که خداوند او را تکریم، و از او به پاکی و نیکی یاد می کند، در عهد عتیق هیچ اشاره ای نشده است.

در ادامه فصل دوم به روابط انبیاء با پادشاهان مختلف بنی اسرائیل و شکل تاریخی نبوت از زمان داود به بعد اشاره مجملی شده است. در میان یهود، یهوه شاه حقیقی و منبع قانون و سرچشمه قدرت است و هر که او به پادشاهی برگزیند، تنها مجری عدالت، فرمانده سپاه و



فصل سوم: متضمن بررسی تطبیقی، مشترکات و مفترقات و نتایج کلی بحث وحی و نبوت از دیدگاه قرآن و عهدین است. در فصل آخر کتاب نویسنده بر آن است که مفاهیم و مشترکات ادیان می‌تواند اساس گفتگوی بین آنها باشد. براین اساس نویسنده خلاصه‌ای از این مشترکات را با عناوین نبوت، معجزه، عصمت، موسی (ع)، عیسی (ع)، وحی، نجات بخش بودن وحی، گناه ذاتی فدیة، رستخیز مسیح، صعود مسیح و ادامه وحی، با دسته‌بندی مفیدی ارائه می‌دهد، در واقع نتیجه و حاصل سه فصل در این فصل خلاصه گرد آمده است. (ص ۴۱۳ تا ۴۱۹).

در عهد قدیم، واژه نبی همان طور که در قبل گفته شد، معنای عامی داشت و افراد مختلفی را نظیر غیب‌گویان، دراویش، مأموران مذهبی و جزآن در برمی‌گرفت. در تورات نیز «پیش‌گو» بیننده خواب و رؤیا، رائی، مرد خدا و نذیره از معانی نبی است که هر کدام نیز مصادیقی دارد و مشتمل بر افرادی با تعاریف خاص خود می‌شود، اما قرآن مدعیان باطل یا انبیای دروغین را «نبی» نخوانده است. قرآن از اشخاص برگزیده اش فقط با عناوین «انبیاء» و «رسولان» یاد کرده است.

انبیاء اشخاصی هستند که برای هدایت مردم برانگیخته شدند، اما رسولان فرستادگانی بودند که برای اصلاح همه امور مردم مبعوث گردیدند... هر رسولی نبی است ولی هر نبی رسول نیست، رسول همراه با معجزه صاحب کتاب هم بود ولی بر نبی کتاب نازل نمی‌شد. (ص ۳۷۷)

انتخاب نبی مستقیماً از طرف خداوند و براساس اراده او است. اما در کتاب مقدس گاه نبی از طرف نبی دیگر نیز انتخاب می‌شده است، نظیر «الیسع» که از طرف «ایلیا» به نبوت انتخاب شد، اما «به» استناد قرآن، خداوند مستقیماً شخص را برای مقام نبوت برمی‌گزیند و مسأله روح نبوت در آن وجود ندارد. موضوع ارث بردن سلیمان از داود که در قرآن آمده است. «و ورث سلیمان داود» مبین انتقال روح نبوت از جانب پدر به پسر نیست، همچنین به این معنی نیست که

امتیازی نسبت به ادیان دیگر دارد» زیرا «بعضی از ادیان دیگر نظیر «بودا» ارتباطی با وحی ندارد...» (ص ۲۷۴)

همچنین: «انبیاء به دو طریق از وحی خویش با خبر می‌شدند، یکی رویا و دیگر شنیدن کلام الهی (اعداد ۲۳: ۳-۴ و ۱۵-۱۶) گاهی رویا خود یکی از انواع طلسم است و پیامبر هم نمی‌توانست حقایق الهی و سیرآینده تاریخ را دریابد و آنچه را که می‌دید، آمیخته با رموز بود که از گنجینه ادیان شرقی گرفته می‌شد... کلام الهی کلید رفع شبهه از این رموز در رؤیاها بود... غالباً کلام الهی بدون رؤیا به پیامبران می‌رسید، بدون اینکه آنان بتوانند راه صدور آن را توضیح دهند... و این ویژگی اساسی بود که وحی را در عهد قدیم روشن می‌کرده است.» (ص ۲۷۵) از دیدگاه عهد قدیم، انواع وحی به انواع ذیل تقسیم می‌گردد: ۱. وحی زبانی و مستقیم؛ ۲. وحی توسط فرشتگان، که خود به دو گونه «در رؤیای بیداری» و «در خواب» تقسیم می‌شود؛ ۳. نزول روح خداوند تعبیری از وحی.

شرایط و محتوای وحی نیز در انتهای مطلب آمده است، از جمله: یکتاپرستی، بیان حوادث آینده، آیین و قوانین زندگی بشری، تزکیه و تبیین مسائل اخلاقی و تربیتی، عبادت و پرستش خداوند. در باب تعریف وحی در مسیحیت دو نظر و عقیده وجود دارد: نظریه زبانی و نظریه غیرزبانی یا دیدگاه نجات بخش که به دو گونه «وحی یا مکاشفه عمومی خدا» و «وحی یا مکاشفه خصوصی» تقسیم می‌شود. البته «وحی و مکاشفه عبارت است از آن عمل خدا که به وسیله آن خدا خود را مکشوف می‌سازد و حقایق را به فکر انسان منتقل می‌کند و بدین طریق آنچه را که از طریق دیگری نمی‌توان فهمید به مخلوقات خود می‌فهماند، مکاشفه ممکن است به وسیله عمل ناگهانی یا در دوره‌ای طولانی از زمان انجام شود.» (ص ۲۹۱)

دیگر مباحث مطرح شده پایانی این بخش عبارت است از: نجات بخش بودن وحی در کتاب مقدس و در بین مسیحیت عیسای جدید، در عهد جدید، شخصیت و الوهیت مسیح، عیسی کلمه خدا و دلایل تجسم کلمه خدا، خون مسیح و پیمان جدید، کلیسا نگاهدارنده وحی.



عیسی انسان، مخلوق و بنده خداست که همانند آدم به طور خاص آفریده شده همچنین او پیامبر خدا و دارای رسالت و برخوردار از علم و حکمت و کتابش انجیل است و بنا به نظر مفسران قرآن او از پیامبران اولوالعزم به شمار می‌آید که نبوتش در مسیر نبوت همه پیامبران بوده است.» (ص ۳۹۹)

در این فصل درباره تشکیلات و سازمان پیامبری و مدارسی که آنها تأسیس می‌کردند و شاگردان مدارس نیز صحبتی به میان آمده است و از مشخصه‌های انبیاء در عهد قدیم به آشنایی آنان با شعر و موسیقی اشاره می‌کند و نبوت همراه با نغمه موسیقی بوده است. «در عهد عتیق استقرار روح الهی بر انسان همراه با آوای موسیقی بوده است.» (ص ۳۸۴) و در «عهد جدید نیز نهاد نگاهدارنده‌ای به نام کلیسا دارد که حافظ وحی است که در آن نهاد روح القدس عطایای خویش را به ایمان داران می‌بخشد» (ص ۳۸۲)

در عهد عتیق در میان پیامبران متعددی که مطرح شده به پیامبران زنی نیز اشاره شده و اینکه پیامبری اختصاص به مردان نداشته است، از پیامبران زن از جمله: (ساره، مریم، دیوره، حنه و حلدّه) (ص ۳۸۲) نیز نام برده شده است. اما «در قرآن نامی از پیامبران زن وجود ندارد».

از مهم‌ترین مشترکات قرآن و عهد قدیم یکتاپرستی و پرستش خدای یگانه است که از اهداف تمام انبیای الهی است که به تبع آن برپایی عدالت، مبارزه با فساد، به کارگیری اصول بنیادین انسان‌سازی، تعلیم کتاب و حکمت و تزکیه و تهذیب نفس را نیز به دنبال دارد. که همه کم و بیش به آن اشاره کرده‌اند. اما «از دیدگاه عهد جدید خدا یکی است اما با سه عنوان یاد می‌شود. پدر، پسر، روح القدس» (ص ۳۸۴) اما اهداف انبیاء در بیشتر موارد یکی است که مهم‌ترین و بزرگ‌ترین آن پرستش خدای یکتا است.

نویسنده درباره معجزه می‌نویسد: «قرآن برخی از معجزات رافع‌الله خدا می‌داند که به طور مستقیم از مبدأ وجود صادر شده باشد مانند، تبدیل شدن عصا به اژدها، یدیبضاء، جزآن نزول قرآن بر پیامبر (ص)» (ص ۳۸۶) البته در عهد قدیم و عهد جدید نظرات دیگر نسبت به

شخص نبی می‌تواند جانشینی برای خویش تعیین کند، بلکه سلیمان به واسطه اراده الهی، به مقام نبوت رسید... از نظر قرآن، کسی که برای مقام نبوت برگزیده می‌شد تا آخر عمرش نبی و از خطا و گناه مصون بود.» (ص ۳۷۸)

کثرت انبیاء و تفاوت آن‌ها از لحاظ مراتب فضل و کمال بین قرآن و عهدین مشترک است. اما گاه از پیامبرانی در کتاب مقدس نام برده می‌شود یا آنان را مرتکب خطایی می‌دانند که در قرآن به هیچ‌کدام اشاره نشده است.

«بنا به گفته قرآن و کتاب مقدس تعداد انبیاء زیاد است کتاب مقدس از انبیای زیادی نام می‌برد در حالی که قرآن فقط به ذکر بیست و پنج نفر از آنان بسنده کرده است... سلیمان و داود از دیدگاه کتاب مقدس، پادشاهان بنی اسرائیل بودند و هر دو مرتکب گناه شدند. داود مرتکب زنا و سلیمان بت پرست شد در حالی که قرآن آن دو را از این تهمت‌ها مبرا می‌داند... از طرفی دیگر نام هود (ع) و صالح (ع) در کتاب مقدس نیامده است» (ص ۳۷۸-۳۷۹).

قرآن برخی از پیامبران را «اولوالعزم» می‌خواند و این تعبیر فقط اختصاص به قرآن دارد. البته در عهد قدیم موسی به دلیل سخن گفتن با خداوند برتر از همه انبیاء است و پنج کتاب اول به آیین و شریعت و معجزات موسی اختصاص داده شده است. ولی از دیدگاه عهد جدید، مسیح بالاتر از همه انبیاء است. «زیرا او آخرین مکاشفه و پیام خداست» (ص ۳۸۰) و در «قرآن پیامبر اکرم (ص) را خاتم الانبیاء خوانده و از صفات و ویژگی‌های او مکرر یاد کرده است.» (ص ۳۸۰) مفسران محمد (ص) را مانند (عیسی) مسیح (ع) از پیامبران اولوالعزم می‌دانند. همین‌طور موسی (ع) را که به «کلیم‌الله» معروف شد و در قرآن و عهد قدیم «موضوع نبوت و رسالت موسی (ع) هم‌زمان بوده است» (ص ۳۹۲) و تورات را تکمیل شده آیین و قوانین «الواح» می‌دانند که در عهد قدیم همان «ده فرمان موسی» تلقی می‌شد و عیسی (ع) در قرآن «کلمه‌الله» و در عهد جدید «کلمه خدا» نامیده شده است» (ص ۳۹۸) که در مفهوم «کلمه» اختلاف است و «قرآن تجسم «کلمه» را تکذیب می‌کند» (ص ۳۹۹) و «بر اساس دیدگاه قرآن،



«از دیدگاه قرآن وحی یک ارتباط سریع و مرموزی است بین خدا و انسان‌های برگزیده که پیامبر نامیده می‌شدند و خداوند در این ارتباط خاص با پیامبرش به طور مستقیم یا به وسیله فرشته وحی سخن می‌گوید و احکام و معارف و قوانین را به قلب نورانی او القا می‌کند» (ص ۴۰۲)

«مراتب وحی در گفتگوی مستقیم خدا با پیامبران و گفتگوی غیرمستقیم توسط فرشتگان اشتراک دارد. قرآن مرتبه‌ای دیگر را در وحی مستقیم اضافه می‌کند و آن عبارت است از سخن گفتن خدا از پشت پرده...» (ص ۴۰۳)

اما درباره مفاد و محتوای وحی: «تورات و قرآن در زمینه توحید با هم مشترک‌اند، اما عهد جدید تثلیث را مطرح می‌کند. از طرفی دیگر در عهد قدیم قیامت وجود ندارد، ولی قرآن و عهد جدید به طور مکرر از قیامت و حیات جاوید سخن می‌گویند» (ص ۴۰۶)

از دیدگاه قرآن، وحی تشریحی پایان یافته است، اما مفاد و محتوای وحی در قرآن و عهدین مشترک است، همین طور رجعت مسیح (ع) در قرآن و اناجیل.

در ادامه این فصل از فدیة، رستاخیز مسیح و صعود عیسی و ادامه وحی نیز بحث شده است.

در خاتمه:

کتاب حاضر مورد تشویق و تقدیر از دبیرخانه دین پژوهان کشور و اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی اصفهان، مرکز توسعه و ترویج فعالیت‌های قرآنی و حائز رتبه برتر، مسابقه پژوهش‌های فرهنگی برتر سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۸۰ اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اصفهان، شده و از مؤلف نیز تقدیر به عمل آمده است.

معجزه دارند و قرآن نیز معجزاتی را به انبیاء نسبت می‌دهد که در عهدین نیامده است.

«معجزات موسی (ع) از جمله مشترکات قرآن و عهد قدیم است. اما برخی از معجزات او منحصرأ در قرآن آمده» (ص ۳۷۸) و همین طور معجزات حضرت مسیح (ع)، که موارد خاصی در قرآن و عهد جدید به طور مشترک آمده است، اما آنان قائل به معجزات دیگری نیز هستند و «معجزات علاوه بر عصر حواریون در دنیای امروز نیز ادامه دارد» (ص ۳۸۸-۳۸۹)

اما قرآن معجزه را مخصوص انبیا می‌داند «قرآن معجزه را فقط به انبیاء نسبت می‌دهد، ولی صدور کارهای خارق‌العاده را از دیگران نفی نمی‌کند» (ص ۳۸۹)

قرآن و عهدین، عصمت را برای انبیا برای دریافت و ابلاغ وحی، لازم می‌دانند و دلایل مختلفی نیز در قرآن برای عصمت انبیاء ذکر شده است. حتی اطاعت و فرمانبرداری از پیامبر را به دلیل اینکه قول و فعل پیامبر با وحی الهی را یکی می‌داند، لازم می‌شمارد، زیرا «وحی، بر انبیا دارای عصمت و مصونیت از خطا و اشتباه است.» (ص ۳۹۰)

در بحث عصمت نویسنده انواع عصمت را همراه با مهم‌ترین تعابیر آن از جمله مخلص؛ «مصطفی»، «مطهر» و «اجتبا» می‌آورد. انواع عصمت عبارت است از: عصمت عملی و عصمت اعتقادی.

اما بعد از داشتن عصمت و مصونیت از خطاست که پیامبر حائز شرایط دریافت وحی می‌شود به نوشته نویسنده: «از دیدگاه هر دو کتاب، وحی پدیده‌ای بوده که از زمان‌های پیشین جریان داشته و در هر دوره‌ای جلوه‌ای از آن آشکار می‌شده است.» (ص ۴۰۰)

در عهد قدیم نیز وحی الهی از غیر آن قابل تشخیص بود و در عهد جدید نیز به وحی زبانی و غیر زبانی (که همان مکاشفه عمومی خداست) تقسیم می‌شود و معیار تشخیص خوب و بد در ضمیر شخص است و مکاشفه مخصوص خداوند که «وحی کامل و اصلی و هسته ایمان مسیحی، مکاشفه مخصوص است که تجلی آن در هیئت انسانی مسیح جلوه‌گر شده است» (ص ۴۰۱) و عهد جدید مسیح را کامل کننده وحی می‌داند، اما از نظر قرآن این امر محال و باطل است.

